

نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان فریمان

زینب وصال؛ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.
علیرضا خواجه شاهکوهی*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.
علی اکبر نجفی کانی؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۰/۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۲۸

چکیده

امروزه با توجه به ضرورت توسعه فعالیت‌های غیرزراعی از جمله صنایع در نواحی روستایی، صنایع کوچک به عنوان راهبردی جدید در توسعه روستایی و یکی از راه‌های دستیابی به کاهش شدت فقر و بیکاری، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و تعدیل شکاف موجود بین درآمد خانوارهای روستایی و شهری مورد توجه است. در این مقاله تلاش گردیده تا به بررسی نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان فریمان پرداخته شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵۸۷ نفر از خانوارهای روستایی ساکن در بخش مرکزی فریمان بوده که براساس فرمول کوکران، نمونه‌ای به تعداد ۲۷۰ نفر از سرپرستان خانوار انتخاب شده است و از این تعداد به روش تخصیص متناسب، ۱۵۳ خانوار از شاغلان در بخش صنعت و ۱۱۷ خانوار از شاغلان در سایر بخش‌ها به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید. داده‌های حاصل از پژوهش، با استفاده از نرم افزار SPSS و به کمک آزمون‌های آماری پارامتریک و ناپارامتریک تجزیه و تحلیل شده است. نتایج نشان داد صنایع کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تداوم شغلی، افزایش درآمد، تمایل برای ماندگاری در روستا، کاهش مهاجرت به شهر و افزایش سطح تحصیلات در فرآیند حصول توسعه اقتصادی روستاهای مورد مطالعه نقش داشته است. همچنین اینکه، صنایع کوچک در پنج متغیر درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تداوم شغلی، بیمه و انگیزه ماندگاری، بیشترین تأثیرات را در نواحی روستایی منطقه مورد مطالعه داشته است.

واژگان کلیدی: صنایع کوچک، توسعه اقتصادی - اجتماعی، بخش مرکزی فریمان.

* shahkoochi@gu.ac.ir

(۱) مقدمه

امروزه توسعه روستایی صرفاً به معنای توسعه کشاورزی یا نحوه‌ای از رفاه اجتماعی نیست که با تزریق پول به مناطق روستایی، نیازهای اولیه و اساسی انسان‌ها مرتفع شود، بلکه طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانی‌های ساختاری قادر می‌سازد (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴۸). براین اساس، راه‌اندازی و گسترش صنایع روستایی از یکسو به واسطه‌ی نقش انکارناپذیرشان در ایجاد اشتغال مؤثر در نواحی روستایی و از سویی دیگر به دلیل داشتن پیوند عمیق با بخش‌های کشاورزی و خدمات نه تنها نقش بسزایی در توسعه‌ی روستایی دارد، بلکه در مقیاس کلان و ملی نیز می‌تواند سهم قابل قبولی از تولید ملی را نصیب نواحی روستایی کند (حاجی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۹).

گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به عنوان سنگ‌بنای راهبرد توسعه آینده مورد بحث قرار می‌دهند و معتقدند که صنعتی شدن و طرح‌ریزی مطلوب صنایع در مناطق روستایی به عنوان یک جریان در جهت ایجاد توسعه پایدار و به عنوان آخرین راه‌حل مشکل فقر مناطق روستایی، بیکاری و عاملی تسکین‌دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌شود (شفیعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲)؛ از طرفی، برای توسعه صنعتی و رشد اقتصادی برخلاف دهه‌های گذشته که برخورداری از صنایع بزرگ و عظیم شرط لازم بود، امروزه توجه به صنایع کوچک و برقراری تعامل هرچه بیشتر این صنایع با صنایع بزرگ مورد ملاحظه کارشناسان قرار گرفته است (آل عمران و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲).

در همین رابطه، صنایع کوچک به عنوان راهبردی جدید در توسعه منطقه‌ای و محلی می‌تواند در راستای دستیابی به کاهش میزان و شدت فقر و بیکاری، تنوع شغلی به اقتصاد روستایی، اشتغال‌زایی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان، تعدیل شکاف موجود بین درآمد خانوارهای روستایی و شهری، جذب نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی، گسترش آموزش، ارتقای سطح مهارت‌ها، افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی نقش مهمی در فرآیند توسعه پایدار روستایی نقش مهمی ایفا کند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

این در حالی است که، روستاهای بخش مرکزی شهرستان فریمان که اکثراً در حاشیه جاده اصلی مشهد- فریمان و یا در فاصله‌ی نه چندان دور از کلان‌شهر مشهد قرار دارند، متأثر از روند تحولات دهه-های اخیر و نیز محدودیت اکولوژیک از جمله خشکسالی‌های دوره‌ای و پیامدهای ناشی از آن هم‌چون کمبود منابع آب، کمبود اراضی کشاورزی و عدم امکان افزایش سطح زیرکشت، با ضعف بنیان‌های کشاورزی مواجه بوده که قادر به تأمین شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی مناسب برای توسعه روستایی نیست. بنابراین، این پژوهش سعی دارد تا ضمن آشنایی با مفهوم، اهمیت و مسائل مربوط به صنعتی شدن نواحی روستایی و بسط چارچوب نظری صنایع کوچک در توسعه پایدار روستایی، با مطالعه موردی

در بخش مرکزی شهرستان فریمان، نقش و اثرات صنایع کوچک را در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای این محدوده مورد بررسی قرار داده و به سؤالات ذیل پاسخ مناسب ارائه دهد: (۱) صنایع کوچک تا چه میزان در توسعه اقتصادی خانوارهای روستایی ساکن در ناحیه مورد مطالعه تأثیرگذار بوده است؟ (۲) صنایع کوچک تا چه میزان موجبات توسعه اجتماعی خانوارهای روستایی ساکن در ناحیه مورد مطالعه را فراهم نموده است؟

۲) مبانی نظری

طی چند دهه اخیر، کشورهای مختلف جهان، متناسب با شرایط، فرصت‌ها، ساختار حکومتی و فرهنگ اجتماعی خود استراتژی‌های توسعه‌ای مختلفی را در پیش گرفتند. این استراتژی‌ها به طور کامل قابل تفکیک نیستند، بلکه طیفی را تشکیل می‌دهند که از دهه ۱۹۶۰ تا پایان دهه ۱۹۸۰ مطرح و مورد استفاده کشورهای مختلف قرار می‌گرفتند. به علاوه باید گفت که تقریباً هیچ کشوری به طور شفاف و مشخص هیچ یک از استراتژی‌ها را در پیش نمی‌گیرد (متوسلی، ۱۳۸۲: ۶۵). در این رابطه، توسعه صنعتی از جمله استراتژی‌های توسعه اقتصادی و به دنبال آن توسعه اجتماعی است که کشورهای در حال توسعه آن را به کار می‌گیرند تا در فرآیند تغییرات اجتماعی، اقتصادی که به موجب آن گروه‌های انسانی را به سمت جامعه صنعتی برتر هدایت کنند و گاهی به عنوان فاز اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کشورها محسوب شده که سریع‌تر از صنعت کشاورزی رشد کرده است به تدریج نقش بیشتری در اقتصاد برای خود ایجاد می‌کند (World Bank, 2007: 145).

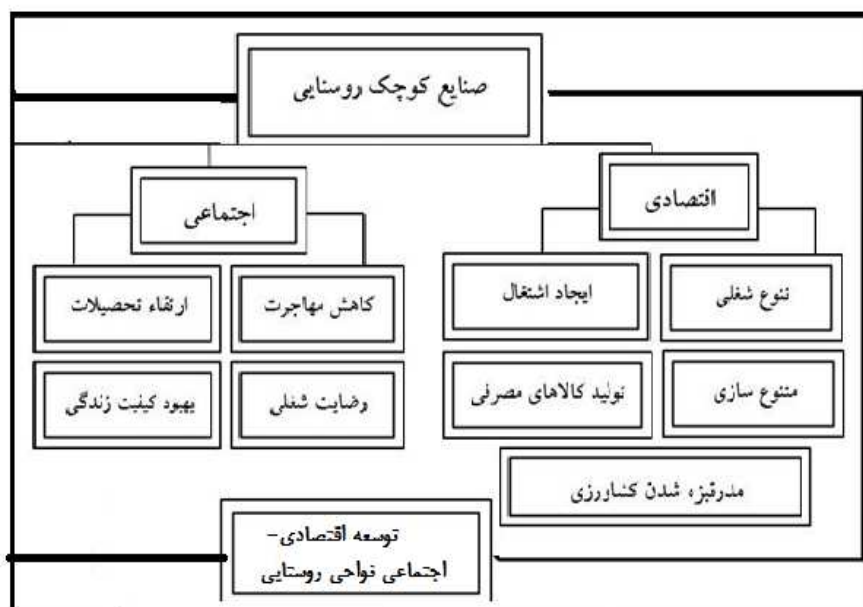
به منظور حرکت در چارچوب توسعه صنعتی، ابتدا باید درک صحیحی از مفهوم توسعه در بخش صنعت تعریف شود (متوسلی، ۱۳۹۱: ۵۸). در همین رابطه، استقرار صنایع در روستا می‌تواند فرصت‌های شغلی و درآمدی بیشتر ایجاد کنند (حاجی نژاد، ۱۳۸۵: ۲۰). همچنین با تقویت بنیان‌های اقتصادی، اشتغال‌زایی، جذب نیروی مازاد کار و بسیج سرمایه اندک به بهره‌برداری از منابع و مهارت‌های محلی انجامیده و با شکستن دور باطل فقر، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کند (مشیری، ۱۳۸۶: ۱۸۲). چرا که صنعتی‌سازی روستایی با استفاده از منابع محلی به تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع می‌انجامد و پلی است که میان مناطق شهری و روستایی پیوند ایجاد می‌کند؛ و بدین ترتیب، اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا کاهش می‌یابد (Walkers, 2007: 83). بدین ترتیب صنعتی شدن روستا ضمن ایجاد فعالیت مولد اقتصادی، دارای اثرات تکاثری است؛ به طوری که تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد که هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن نه تنها ارزش اقتصادی مفید در مناطق روستایی ایجاد می‌کند بلکه منجر به رونق اقتصادی و پایداری آن می‌شود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). به همین دلیل برخی از کشورها از جمله ایران زمینه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و حفظ و جذب جمعیت در

مناطق روستایی را ایجاد، استقرار و توسعه فعالیت‌های صنعتی کوچک مقیاس در این مناطق می‌دانند. در واقع صنایع کوچک روستایی، به مجموعه صنایع پشتیبانی بخش کشاورزی، صنایع دستی و سنتی اطلاق می‌گردد که در مناطق روستایی با استفاده از امکانات داخلی (اعم از ماشین‌آلات و مواد اولیه و نیروی کار) در ظرفیت‌های متناسب با بازار، ایجاد و بهره‌برداری می‌گردد (رحیمی، ۱۳۸۳: ۲۷۸). با توجه به نیاز محدود به تسهیلات زیربنایی، سادگی فعالیت‌ها و عدم نیاز به تخصص‌های پیچیده، می‌توانند مهم‌ترین اهرم در راستای فعال کردن پتانسیل‌های مادی و انسانی مناطق روستایی در سطح ملی- محلی و توسعه اقتصادی- اجتماعی روستایی محسوب شود (Unido, 1984: 8).

با توجه به اهمیت یافتن واحدهای صنعتی روستایی، به تدریج مطالعات ارزیابی در جهت شناخت پیامدهای صنعتی شدن روستایی از اواسط دهه ۱۹۷۰ آغاز گردیده است. بنابراین در این بخش به خلاصه‌ای از نتایج مطالعات انجام شده در خارج و داخل کشور پیرامون نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی- اجتماعی روستایی پرداخته می‌شود. با بررسی انجام شده به‌طور کلی می‌توان ادعان داشت که در این زمینه مطالعات قابل توجهی انجام شده است، اما تحقیقات انجام شده کمتر به نقش صنایع کوچک در توسعه پایدار نواحی روستایی توجه نموده و نکته قابل توجه اینکه در ناحیه مورد مطالعه به صورت خاص تاکنون مطالعاتی در این زمینه صورت نگرفته است.

جدول شماره (۱): مروری بر پیشینه تحقیق

نویسنده	سال	نتایج
دیوید راجرز	۲۰۰۶	نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی روستایی برای اجتماعات مورد مطالعه با منافع گسترده همراه بوده، به طوریکه بر یکپارچگی خانوارها، درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها افزوده است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۰).
ساندرا	۲۰۰۹	در کشور هند به این نتیجه رسیدند که استقرار واحدهای صنعتی با مقیاس‌های کوچک و بزرگ در روستاها باید بر اساس پتانسیل‌های روستا انجام گیرد.
داس و همکاران	۲۰۱۱	معتقد هستند گسترش صنایع توانسته است فقر روستایی را کاهش دهد و منجر به معیشت پایدار روستاییان گردد. همچنین کاهش مهاجرت روستاییان و افزایش رفاه از دیگر پیامدهای صنایع است و اگر صنایع کوچک و صنایع خانگی در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی منطقه باشد، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه آنها ایفا نماید.
ام. تی. هاگ	۲۰۰۷	بر این باور است که به موازات دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، باید صنعت را به مثابه مهم‌ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفت. ماهیت و الگوی صنعتی شدن، چه در صنایع کوچک مقیاس و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطق‌های است (Chadwilk, 55: 2007).
یو. سی. نایاک		معتقد است که اغلب ارائه طرح‌های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها با شکست روبه‌رو شده است. به باور او، تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری در مناطق روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی است و با برنامه‌ریزی در راستای استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌توان ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق ساخت (Pears, 2007: 77).
شاهی اردبیلی	۱۳۸۶	به این نتیجه رسیده است که صنایع کوچک روستایی با در نظر گرفتن شاخص‌های توسعه روستایی با ایجاد فرصت‌های شغلی، موجب تولید درآمد برای اقشار فرودست روستایی می‌شوند.
نقوی	۱۳۸۹	بیانگر آن است که، شهرک صنعتی بهشهر از بعد اقتصادی روستاهای پیرامون خود را بشدت تحت تأثیر قرار داده است.



شکل شماره (۱): مدل تحلیلی نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی

۳ روش تحقیق

تحقیق حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل جمعیت ساکن در ۴۵ روستای دارای جمعیت ۲۵ خانوار و بیشتر ساکن در سه دهستان واقع در بخش مرکزی شهرستان فریمان بوده است. به طوری که برای انتخاب حجم نمونه ابتدا روستاها به دو گروه دارای صنایع و فاقد صنایع تقسیم و سپس ۲۰ درصد از هر گروه (مجموعاً ۱۱ پارچه) انتخاب شده است.

در مرحله بعد برای انتخاب خانوارهای نمونه، کلیه روستاها با توجه به طبقه‌ای که در آن قرار داشتند، کدبندی و با استفاده از نرم‌افزار Mini-tab، نه روستا به شیوه کاملاً تصادفی انتخاب گردید؛ بدین ترتیب حجم کل خانوارهای انتخابی ۱۵۸۷ به دست آمده که با استفاده از فرمول کوکران، نمونه‌ای به تعداد ۲۷۰ نفر انتخاب گردید. لازم به ذکر است که از این تعداد به روش تخصیص متناسب، ۱۵۳ خانوار از شاغلان در بخش صنعت و ۱۱۷ خانوار از شاغلان در سایر بخش‌ها، تعیین شده است. همچنین نحوه دسترسی به نمونه‌ها تصادفی سیستماتیک بوده است. از سویی دیگر ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها و سنجش متغیرهای تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته است. به طوریکه پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss، انجام گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و تحلیلی (آزمون - های آماری پارامتریک T و ناپارامتریک یومان‌ویتنی و کای اسکور) استفاده شده است. برای سنجش پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده که با توجه به عدد به دست آمده (۰/۸۷) می‌توان

گفت: که پرسشنامه تحقیق از پایایی قابل قبولی برخوردار بوده است. همچنین برای سنجش اعتبار و روایی ابزار اندازه‌گیری از روش کیفی اعتبار محتوا^۱ استفاده شده است. در این روش برای سنجش میزان اعتبار، پرسشنامه را در اختیار گروه‌های متخصص (استاتید دانشگاه، کارشناسان حوزه روستایی، کارشناسان در حوزه صنایع کوچک روستایی) قرار گذاشته‌ایم، بنابراین افراد فوق‌الذکر آن را ارزیابی و قضاوت نموده‌اند، نتایج ارزیابی آنها نشان داد که محتوای ابزار محقق ساخته (پرسشنامه) دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را می‌سنجد.

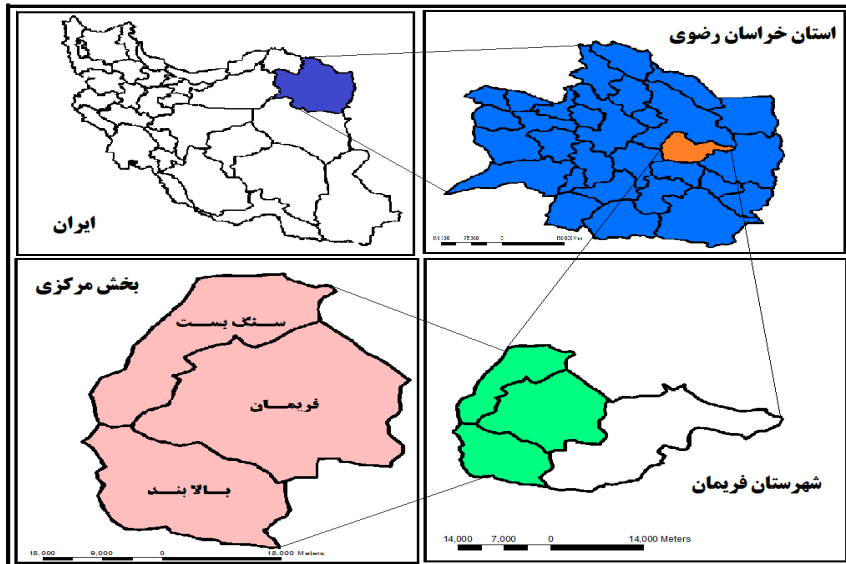
جدول (۲): نحوه انتخاب روستاهای نمونه برای تکمیل پرسشنامه برحسب تعداد خانوار

شهرستان	بخش	طبقه‌بندی روستاهای مورد مطالعه	دهستان	نام روستا	تعداد خانوار	تعداد نمونه
فریمان	بخش مرکزی	روستاهای فاقد صنایع	بالابند	اق کمر سفلی	۹۹	۱۷
			بالابند	میاندهی	۱۹۳	۳۳
			بالابند	احمد آباد	۲۵۴	۴۴
			فریمان	فیض آباد	۱۳۳	۲۳
		روستاهای دارای صنایع	سنگ بست	هدایت آباد	۱۶۸	۲۹
			سنگ بست	حصار سرخ	۶۰	۱۰
			فریمان	حسین آباد قلعه سرخ	۷۰	۱۲
			سنگ بست	سعدآباد	۳۱۲	۵۴
			فریمان	لوشاب فریمان	۲۸۰	۴۸
			کل نمونه			

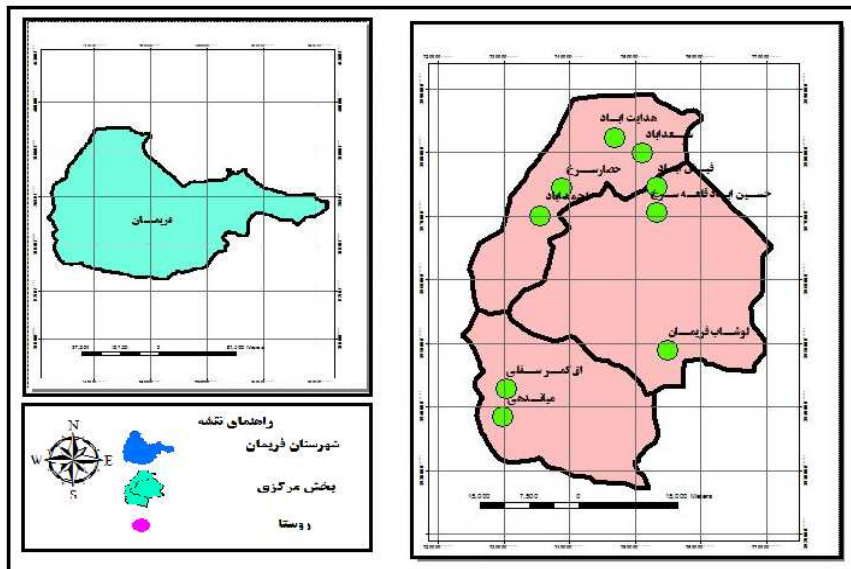
شهرستان فریمان طبق آخرین تقسیمات کشور یکی از شهرستان خراسان رضوی است که در شمال استان خراسان واقع شده است. این شهرستان در ۵۸ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۱ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و مساحتی در حدود ۳۲۲۵ کیلومتر مربع که معادل ۰/۰۱/۳ مساحت استان است را به خود اختصاص داده است. مرکز این شهرستان شهر فریمان است که در فاصله ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی مشهد در طول مسیر مشهد- تربت جام و هرات قرار گرفته است که ۲۱۶ کیلومتر با مرز افغانستان فاصله دارد. همچنین این شهر در ارتفاع ۱۴۱۱ متری از سطح دریا قرار دارد و وسعت آن ۲۶ کیلومتر مربع است. در حال حاضر این شهرستان

^۱ Content Validity

شامل دو بخش مرکزی و قلندرآباد است. که بخش مرکزی بزرگترین بخش فریمان و شامل سه دهستان فریمان، بالابند و سنگ بست است. شکل موقعیت منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



شکل شماره (۲): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه



شکل شماره (۳): موقعیت روستاهای مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

از مجموع ۲۷۰ نفر نمونه آماری، ۷۸/۸۹ درصد مرد و ۲۱/۱۲ درصد زن بوده‌اند. بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۶-۴۵ سال معادل ۳۹/۶۲ درصد و کمترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی زیر ۲۵ سال معادل ۰/۰۴۴ درصد است. همچنین بیشترین فراوانی سطح تحصیلات، مربوط به تحصیلات

ابتدایی و راهنمایی معادل ۴۴/۴۰ درصد و کمترین فراوانی مربوط به روستاییانی است که دارای تحصیلات فوق دیپلم به بالا معادل ۴/۸۱ درصد است. بیشترین فراوانی نوع فعالیت پاسخگویان مربوط به بخش صنعت معادل ۵۱/۴۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به شغل کارمند معادل ۶/۲۹ درصد بوده است. در نهایت از نظر وضعیت درآمدی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه درآمدی ۵۰۰-۴۰۰ هزار تومان - معادل ۳۰/۳۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به گروه درآمدی ۳۰۰-۲۰۰ هزار معادل ۲۲/۲۳ درصد است.

همچنین به منظور سنجش میزان تأثیر صنایع کوچک در توسعه اقتصادی - اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه، تعداد نه گویه طراحی و در قالب پرسشنامه تنظیم و مورد سؤال قرار گرفت. پاسخهای به دست آمده به شرح جدول دو مورد مطالعه قرار می‌گیرند. براساس ارزیابی افراد نسبت به مؤلفه‌های مورد سنجش در بُعد اقتصادی «تنوع شغلی» با میانگین رتبه‌ای (۳/۴۸) در رتبه اول و «تغییر کاربری اراضی» با میانگین رتبه‌ای ۲/۵۹ در رتبه آخر قرار گرفته‌اند. از سویی دیگر، مقایسه‌ی میانگین‌های رتبه‌ای محاسبه شده در بُعد اجتماعی نشان می‌دهد که به طور متوسط، پاسخگویان بیشترین تأثیر صنایع را در مؤلفه انگیزه ماندگاری در روستا با میانگین ۳/۴۸ و کمترین تأثیر صنایع را در دسترسی بیشتر به خدمات عمومی و امکانات رفاهی با میانگین ۲/۶۴ دانسته‌اند.

جدول شماره (۳): دیدگاه جامعه محلی در خصوص اثرات صنایع کوچک بر شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی در روستاها

ابعاد	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین رتبه‌ای
اقتصادی	ایجاد فرصت‌های شغلی	۹۲	۶۱	۵۷	۴۴	۱۶	۳/۰۲
	فراهم کردن تنوع شغلی	۷۶	۸۱	۳۹	۴۲	۳۲	۳/۴۸
	افزایش درآمد	۴۸	۳۹	۹۴	۶۴	۲۵	۳/۰۱
	تغییر کاربری اراضی	۵۹	۳۷	۷۵	۵۱	۴۸	۲/۵۹
	بهبود زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی موجود	۲۶	۱۱۳	۸۹	۱۹	۲۳	۳/۴۸
اجتماعی	تمایل برای ماندگاری در روستا	۹۳	۵۸	۷۴	۲۶	۱۹	۳/۴۸
	کاهش مهاجرت به شهر	۶۲	۸۱	۹۲	۲۵	۱۰	۳/۲۱
	افزایش سطح سواد و تحصیلات	۴۶	۳۴	۸۹	۷۶	۱۵	۲/۹۸
	دسترسی بیشتر به خدمات عمومی و امکانات رفاهی	۳۵	۲۰	۴۸	۹۱	۷۶	۲/۶۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

به منظور مقایسه درآمد و پس‌انداز در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع از آزمون T استفاده شده است. همانگونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، تفاوت معنادار بین وضعیت اقتصادی از نظر میزان

درآمد و پس‌انداز، در روستاهای مورد مطالعه وجود دارد به گونه‌ای که ضریب معناداری ۹۹٪ برای مؤلفه درآمد و پس‌انداز گویای اختلاف سطح اقتصادی سرپرستان خانوار روستایی در دو گروه از روستاها است. ایجاد اشتغال و به دنبال آن تداوم و استمرار و ثبات درآمدی از مهم‌ترین آثار ایجاد صنایع کوچک در توسعه اقتصادی نواحی روستایی است. در همین رابطه، بر طبق اطلاعات مندرج در جدول چهار به منظور بررسی میزان تداوم شغلی در بین دو گروه سرپرستان خانوار شاغل در بخش صنعتی و غیرصنعتی ساکن در روستاهای بخش مرکزی فریمان از آزمون ناپارامتریک مان‌ویتنی استفاده گردیده است. به طوری که میانگین رتبه‌ای به دست آمده در جدول (۴)، میزان اختلاف بالایی را در بین دو گروه از شاغلین صنعتی و غیرصنعتی نسبت به مؤلفه تداوم شغلی نشان می‌دهد و تا سطح ۹۵ درصد ارتباط معناداری بین آنها وجود دارد. می‌توان نتیجه گرفت که افراد شاغل در صنایع کوچک نسبت به شاغلین غیرصنعتی از ثبات و استمرار شغلی بیشتری برخوردار هستند.

طبق اطلاعات جدول پنج به منظور مقایسه هزینه‌های الگوی مصرفی خانوار در دو گروه از شاغلین صنعت و غیرصنعت از آزمون T استفاده گردیده است، به طوری که نتایج نشان می‌دهد تفاوت میان هزینه الگوهای مصرفی سرپرستان خانوار شاغل در صنایع کوچک با شاغلین غیرصنعتی در روستاهای بخش مرکزی فریمان، در هزینه‌های کالاهای مصرفی، هزینه پوشاک و خوراک تا سطح ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که، افراد شاغل در صنایع کوچک به دلیل درآمد حاصله از این بخش، از نظر هزینه‌های الگوی مصرفی نسبت به شاغلین غیرصنعتی وضعیت بهتری دارند.

امروزه بین میزان استفاده از کالاهای مصرفی بادوام و میزان درآمد یک رابطه مستقیم و یک طرفه وجود دارد، به طوری که با افزایش درآمد و افزایش قدرت خرید افراد، امکان استفاده از کالاهای مصرفی بادوام هم افزایش می‌یابد (متوسلی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). بنابراین به منظور بررسی و مقایسه وضعیت مصرف کالاهای بادوام در بین شاغلین صنعتی و غیرصنعتی در روستاهای مورد مطالعه از آزمون T استفاده شده است، به طوری که اطلاعات مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهد که الگوی مصرف کالاهای بادوام در بین سرپرستان خانوار شاغل در بخش صنعت و شاغلین غیرصنعتی در مواردی همچون تلوزیون رنگی (Lcd-Led)، کامپیوتر و مبلمان تفاوت معناداری در سطح ۹۵ درصد وجود دارد و در ماشین لباسشویی، یخچال فریزر، کولر و ماشین سواری تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (۴): مقایسه شاخص های اقتصادی در بین شاغلین صنعتی و غیرصنعتی روستایی

متغیر	گروه‌ها	حجم نمونه (N)	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	Sig
درآمد	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۲۱۰۷۷/۰۸	۱۵۰/۶۴۵	۳/۴۸۸	(***)/۰۰۰
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۸۷۸۳/۴۴	۱۱۷/۸۳۳		
پس انداز	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۹۸۵۹/۸۴	۱۴۸/۸۴۰	۳/۱۷۴	(***)/۰۰۱
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۵۷۹۷/۵۴	۱۲۶/۳۲۴		
هزینه کالای مصرفی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۸۸۴۳/۸۲	۴۵۱/۳۸۴	۱/۸۹	(*)/۰۰۳۷
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۱۸۷۵/۷۹	۳۹۸/۱۸۷		
هزینه خوراکی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۸۴۴۰/۴۸	۲۵۹/۱۱۲	۲/۴۵	(*)/۰۰۱۸
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۲۲۰۶۲/۲۴	۲۳۹/۹۸		
هزینه پوشاک	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۶۶۸۴/۶۰	۳۹۷/۱۸۹	۳/۰۴	(*)/۰۰۲۸
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۰۳۲۰/۳۸	۳۱۵/۲۱۰		
تلویزیون رنگی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۳۱۵۳۴/۰۸	۲۴۵/۸۹	۲/۶۰	(***)/۰۰۲۱
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۳۰۲۵۳/۱۰	۱۹۸/۴۵		
ماشین لباسشویی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۲۳۰۴۸/۶۹	۲۴۸/۳۴	۱/۹۷	(ns)/۰۰۴۹۱
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۳۴۵۸/۱۵	۲۴۲/۱۰		
یخچال فریزر	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۲۲۵۹۲/۱۲	۱۹۹/۶۴	۱/۵۴	(ns)/۰۰۱۸۵
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۳۲۳۰/۵۷	۱۸۷/۷۸		
کولر	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۴۰۱۶۰/۰۱	۲۸۹/۲۷	۱/۴۱	(ns)/۰۰۱۹۵
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۵۲۴۴/۷۴	۲۸۱/۶۷		
خودروی شخصی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۲۱۵۲۴/۷۹	۱۵۷/۱۵	۲/۸۷	(ns)/۰۰۱۹۵
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۷۸۶۲۳۴/۴۹	۱۴۹/۴۵		
کامپیوتر	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۳۲۱۴۳/۳۱	۴۳۱/۷۴	۲/۶۴	(***)/۰۰۲۸
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۴۷۸۰/۴۸	۳۷۸/۶۷		
مبلمان	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۴۸۸۹۷/۱۷	۳۴۸/۳۴	۲/۸۰	(***)/۰۰۶۷
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۶۵۳۱۶/۰۸	۲۹۸/۵۵		
متغیر	گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین رتبه ای	مقدار U	Z	Sig
تداوم شغلی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۱۹/۸۷	-	۷۱۰/...	-۳/۲۲۱
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۶۸/۳۱	-		

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳. ** سطح معناداری ۰/۰۱ (*) معناداری در سطح ۰/۰۵. NS عدم معناداری

طبق اطلاعات مندرج در جدول پنج، به منظور بررسی و مقایسه میزان رضایت از بیمه در بین دو گروه از سرپرستان خانوار شاغل در بخش صنعت و شاغلین غیرصنعتی از آزمون مان‌ویتنی استفاده

گردیده است، به طوری که نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری تا سطح ۹۹ درصد بین شاغلین صنعتی و غیرصنعتی نسبت به مؤلفه رضایت از بیمه وجود دارد. علت این اختلاف معنادار در بین سرپرستان خانوار نسبت به وضعیت بیمه، این است که سرپرستان شاغل در واحدها و کارگاه‌های صنعتی زیر پوشش بیمه بهداشتی و درمانی و تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند و انجام آن طبق مقررات در هر واحد صنعتی الزامی است. در صورتی که افراد شاغل در بخش‌های مختلف از این مزایا برخوردار نیستند و در نتیجه میزان رضایت اندکی از وضعیت بیمه دارند.

به منظور بررسی میزان رضایت شغلی در بین دو گروه سرپرستان خانوار شاغل در بخش صنعتی و غیرصنعتی ساکن در روستاهای بخش مرکزی فریمان از آزمون ناپارامتریک مان‌ویتنی استفاده گردیده است به طوریکه میانگین رتبه‌ای به دست آمده در جدول ذیل میزان اختلاف بالایی را در بین دو گروه از شاغلین صنعتی و غیرصنعتی نسبت به مؤلفه رضایت شغلی نشان می‌دهد و تا سطح ۹۵ درصد ارتباط معناداری بین آنها وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افراد شاغل در صنایع کوچک به دلیل استمرار شغل، وجود برخی مزایای بهتر نسبت به مشاغل دیگر همچون بیمه نسبت به شاغلین غیرصنعتی از شغل خود میزان رضایت بیشتری دارند.

بررسی و نقش صنایع کوچک در میزان مشارکت روستاییان یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم در بُعد اجتماعی است که رابطه موجود بین آنها سنجیده شده است. به طوری که براساس داده‌های به دست آمده از جدول (۵)، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین شاغلین صنعتی و شاغلین غیرصنعتی در میزان مشارکت‌ها آنها در امور آبادانی و عمران روستاهای مورد مطالعه وجود ندارد. به نحوی که همه روستاییان به یک اندازه و به صورت برابر در امور روستای خود مشارکت می‌کنند.

به منظور ارزیابی و مقایسه میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی در بین دو گروه از سرپرستان خانوار شاغل در بخش صنعت و غیرصنعت از آزمون ناپارامتریک مان‌ویتنی استفاده گردیده است. نتایج به دست آمده حاکی آن است که اختلاف معناداری در بین دو گروه در میزان استفاده از رسانه‌های جمعی وجود ندارد.

به منظور مقایسه میزان انگیزه ماندگاری در بین دو گروه از سرپرستان خانوار شاغل و در بخش صنعت و غیرصنعت در بخش مرکزی فریمان از آزمون ناپارامتریک مان‌ویتنی استفاده گردیده است. براساس نتایج جدول (۵)، اختلاف معناداری در سطح ۹۹ درصد در بین شاغلین صنعتی و غیرصنعتی در مؤلفه انگیزه ماندگاری در روستا وجود دارد.

جدول شماره (۵): مقایسه میزان شاخص های اجتماعی در بین شاغلین صنعتی و غیرصنعتی روستایی

متغیر	گروه ها	حجم نمونه	میانگین رتبه	مقدار U	Z	Sig
رضایت از بیمه	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۴۹/۷۷	۶۷۵/...	-۱/۹۴۶	(**)۰/۰۰۴
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۷۸/۰۳			
رضایت شغلی	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۱۴/۹۵	۸۷۸/۰۵۸	-۰/۶۱۹	(**)۰/۰۰۹
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۹۷/۰۳			
مشارکت	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۶۸/۰۳	-۳۴۱/۰۰۷	-۱/۶۲۹	(ns)۰/۱۱۹
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۷۶/۶۸			
انگیزه ماندگاری	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۱۲۹/۲۵	۶۷۸/۰۵۸	-۱/۶۲۹	(**)۰/۰۰۰
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۷۸/۰۳			
متغیر	گروهها	حجم نمونه (N)	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	Sig
رادیو	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۳۱۵۳۴/۰۸	۲۶۰/۷۰۷	۲/۶۰	(ns)۰/۱۰۵
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۳۰۲۵۳/۱۰	۲۵۱/۹۸۲		
تلویزیون	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۲۳۰۴۸/۶۹	۱۵۸/۵۴۱	۱/۹۷	(ns)۰/۲۱۸
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۳۴۵۸/۱۵	۱۵۲/۴۸۰		
روزنامه	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۲۲۵۹۲/۱۲	۳۴۱/۲۷۸	۱/۵۴	(ns)۰/۱۶۷
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۳۲۳۰/۵۷	۳۳۱/۷۸۰		
مجله و کتاب	روستاهای دارای صنایع	۱۵۳	۴۰۱۶۰/۰۱	۲۱۹/۴۸۰	۱/۴۱	(ns)۰/۳۴۰
	روستاهای فاقد صنایع	۱۱۷	۱۵۲۴۴/۷۴	۲۱۶/۸۷۱		

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ * سطح معناداری ۱٪ (*). معناداری در سطح ۵٪. ns عدم معناداری

با توجه به وجود همبستگی قابل قبولی که بین صنایع کوچک به عنوان متغیر مستقل با متغیر وابسته (مؤلفه‌های اقتصادی- اجتماعی) در تحلیل‌های بالا مشاهده گردید، اکنون براساس جدول (۶)، به منظور آگاهی از مؤثرترین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون گام به گام استفاده می‌گردد. به طوریکه در این بخش متغیرها یک به یک وارد معادله رگرسیون می‌شوند و آنهایی که کم اثرترین هستند از معادله خارج و مؤثرترین متغیرها باقی می‌مانند.

جدول شماره (۶): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره تأثیرات اقتصادی- اجتماعی صنایع کوچک

مؤلفه‌ها	متغیر	مقدار ضریب F	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا Beta	سطح معنی داری آزمون t	ضریب تعیین تجمعی R Square
اقتصادی	درآمد	۴/۱۹	۰/۱۶۲	**۰/۰۰۴	۰/۱۲۶
	پس انداز	۰/۱۷۰	-۰/۰۳۳	ns۰/۶۸۱	۰/۰۰۱
	هزینه های الگوی مصرفی خانوار	۰/۳۱۹	-۰/۰۴۵	ns۰/۵۷۳	۰/۰۰۲
	ایجاد فرصت های شغلی جدید	۸/۸۲	۰/۱۵۵	**۰/۰۰۵	۰/۲۲۴
	تداوم شغلی	۱۱/۲۰۱	۰/۲۵۹	**۰/۰۰۱	۰/۱۶۷
	وضعیت مصرف کالاهای مصرفی بادوام	۰/۴۹	۰/۱۸	ns۰/۸۲۵	۰/۰۰۰
اجتماعی	بیمه	۵/۸۹	۰/۱۹۱	**۰/۰۰۱	۰/۲۳۶
	رضایت شغلی	۰/۹۲۶	-۰/۰۷۷	ns۰/۳۳۷	۰/۰۰۶
	افزایش مشارکت روستائیان	۰/۶۰۵	۰/۰۶۲	ns۰/۴۳۸	۰/۰۰۴
	مصرف رسانه های ارتباط جمعی	۰/۴۷۷	-۰/۰۵۵	ns۰/۴۹۱	۰/۰۰۳
	انگیزه ماندگاری	۳۱/۷۶	۰/۴۱۱	**۰/۰۰۰	۰/۱۶۹
	افزایش سطح تحصیلات	۴/۱۶۵	۰/۰۸۶	ns۰/۲۸۲	۰/۰۰۷

مأخذ: نگارندگان تحقیق: ۱۳۹۲ ** معناداری در سطح ۹۹ درصد ns عدم معناداری

همچنان که در جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود، از متغیرهای اقتصادی- اجتماعی فقط پنج متغیر در مدل باقیمانده‌اند. در مجموع این پنج متغیر بیشترین تأثیرات صنایع کوچک را در ابعاد اقتصادی- اجتماعی تبیین می‌کنند. مقدار ضریب F و وزن بتا اهمیت متغیرهای باقیمانده را مشخص می‌کنند. بر اساس وزن بتا به ترتیب اهمیت عوامل: درآمد، ایجاد فرصت های شغلی جدید، تداوم شغلی، بیمه و انگیزه ماندگاری بیشترین سهم را در تبیین میزان اثرگذاری صنایع کوچک دارند.

جدول شماره (۷): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره تأثیرات اقتصادی- اجتماعی صنایع کوچک

متغیر مستقل	مقدار ضریب F	ضریب رگرسیون استاندارد شده بتا Beta	سطح معنی داری آزمون t	ضریب تعیین تجمعی R Square
درآمد	۴/۱۹	۰/۱۶۲	**۰/۰۰۴	۰/۱۲۶
ایجاد فرصت های شغلی جدید	۸/۸۲	۰/۱۵۵	**۰/۰۰۵	۰/۲۲۴
تداوم شغلی	۱۱/۲۰۱	۰/۲۵۹	**۰/۰۰۱	۰/۱۶۷
بیمه	۵/۸۹	۰/۱۹۱	**۰/۰۰۱	۰/۲۳۶
انگیزه ماندگاری	۳۱/۷۶	۰/۴۱۱	**۰/۰۰۰	۰/۱۶۹

مأخذ: نگارندگان تحقیق: ۱۳۹۲ ** معناداری در سطح ۹۹ درصد

۵) نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی نقش صنایع کوچک در توسعه اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی پرداخته شده است. به طوری که نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق در بخش مرکزی فریمان نشان می‌دهد که، صنایع کوچک توانسته است توسعه اقتصادی را در شاخص‌هایی همچون وضعیت درآمد، پس‌انداز، هزینه الگوی مصرف، هزینه مصرف کالاهای بادوام، ایجاد فرصت‌های شغلی و تداوم شغلی در روستاهای دارای صنایع تا حدودی تحقق بخشد و اثرات مطلوب و مهمی داشته باشد. از سویی دیگر استقرار و توسعه صنایع کوچک در ناحیه مورد مطالعه باعث ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی سرپرستان خانوارهای روستایی شده است و سطح رفاه اجتماعی آن‌ها را بهبود بخشیده تا آنجایی که مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر را به حداقل رسانده است و همچنین در بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات و ماندگاری در شهر اثرات بسیار زیادی را به جای گذاشته است. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که پنج متغیر (درآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تداوم شغلی، بیمه و انگیزه ماندگاری) بیشترین تأثیرات صنایع کوچک در بعد اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی داشته است.

این در حالی است که نتایج پژوهش حاضر با مطالعات پیشین که توسط سایر محققان حوزه روستایی در زمینه بررسی صنایع روستایی انجام شده است همخوانی دارد.

شهره تاج و همکاران (۱۳۹۰)، در زمینه تأثیرپذیری اقتصادی روستاها از نواحی روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که ناحیه صنعتی، سبب افزایش درآمد روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی شده است. همچنین نجفی کانی (۱۳۸۵)، در رابطه با بررسی و ارزیابی نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، ذکر می‌کند که اکثر شاخص‌های توسعه اعم از الگوی مصرف، مسکن، بیمه، رضایت و امنیت شغلی، آموزش و انگیزه ماندگاری در روستا در بین شاغلین صنعتی و غیرصنعتی تفاوت معناداری وجود دارد. از سویی دیگر، نتایج تحقیقات حکمت شاهی اردبیلی (۱۳۸۶) در رابطه با نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد نشان می‌دهد که توزیع درآمد و میزان رضایت از آن در میان شاغلین صنعتی نسبت به شاغلین سایر بخش‌ها از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. مطالعات نصیری (۱۳۸۷) در زمینه بررسی نقش صنایع روستایی بر فرآیند توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای بومهن، نشان می‌دهد که در شاخص‌های توسعه از قبیل؛ هزینه‌های مصرفی، مسکن، رضایت شغلی، عدم مهاجرت، انگیزه ماندگاری در بین دو گروه از روستاهای دارای صنایع و روستاهای فاقد صنایع تفاوت معناداری وجود دارد. در نهایت نتایج تحقیقات افتخاری و همکاران (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که، صنعتی شدن و استقرار صنعت در نواحی روستایی منجر به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد گروه‌های کم درآمد روستایی و افزایش رفاه روستاییان می‌شود. در نهایت، با توجه به تأثیر صنایع بر مؤلفه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی، پیشنهاد می‌شود که:

- احداث کارگاه‌های جدید و تعاونی برای صنایع کوچک، به منظور ورود بیشتر صنایع در اقتصاد محلی روستاهای مورد مطالعه؛
- ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها صنایع (آب، برق، گاز، راه‌های ارتباطی مناسب و...) به منظور دستیابی به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی، افزایش سطح اشتغال، درآمد و در نتیجه، بهبود وضعیت زندگی روستاییان؛
- پرداخت تسهیلات در چارچوب ساختارهای تعاونی و اتحادیه صنایع روستایی نیز با کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری سرمایه بسیار مؤثر خواهد بود.
- توجه به مشارکت روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی ضروری است تا در پرتوی آن، توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی محقق شود به طوری که مشارکت خود روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس شرکت‌های تعاونی راهکاری مناسب برای توسعه صنایع کوچک روستایی فریمان به شمار می‌رود.
- فراهم نمودن تسهیلات و امکانات آموزشی، فنی و تخصصی جهت تربیت نیروهای مورد نیاز واحدهای صنعتی در مناطق روستایی؛
- کمک به تأمین اعتبار و تخصیص وام از طریق مراکز اعتباری، با شرایط آسان و جلب مشارکت فعال بانک‌ها در جهت حمایت از ایجاد و گسترش صنایع کوچک.

۶) منابع

- آل عمران، رویا، الناز، باباپور و حبیب، منصور (۱۳۹۰)، بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، خوشه‌های صنعتی راهبرد نوین حل مشکلات صنایع کوچک، مجله اقتصادی - شماره‌های ۵ و ۶، صص. ۴۱-۶۲.
- ازکیا، مصطفی، علی ایمانی (۱۳۸۷)، توسعه پایدار روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران.
- افتخاری، عبدالرضا، مهدی، طاهرخانی (۱۳۸۳)، استقرار صنعت در روستا و نقش آن در رفاه مناطق روستایی، مدرس، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۲۴-۲.
- تاج، شهره، فاطمه، دارآفرین (۱۳۹۰)، تأثیرپذیری اقتصادی روستاها از نواحی صنعتی (مطالعه موردی: ناحیه صنعتی میامی، شهرستان شاهرود)، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره اول، صص: ۱۴۴-۱۳۸.
- شفیع، پروین، احمد تقدیسی، حسن بیک محمدی و سید هدایت ا. نوری (۱۳۸۹)، اولویت بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با روش دلفی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲، صص. ۶۱-۷۹.
- شمس‌الدینی، علی، ناصر حسینی (۱۳۹۰)، نقش تعاونی‌های صنایع کوچک در اشتغالزایی و توسعه روستاها، مجله تعاون، سال ۲۲، شماره ۶، صص. ۱۵۶-۱۳۶.

- رحیمی، عباس (۱۳۸۳)، تبیین ویژگی های صنایع تبدیلی تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
- حاجی نژاد، علی و علی عسگری (۱۳۸۵)، بهره وری صنایع روستایی در استان سیستان و بلوچستان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۸، زاهدان، صص. ۱۹-۴۲.
- حکمت شاهی اردبیلی، حمید شایان (۱۳۸۶)، نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان مشهد)، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۲۱۲-۱۹۷.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، انتشارات سمت، تهران.
- متوسلی، بهنام (۱۳۹۱)، بررسی میزان اثرات شهرک های صنعتی در توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی شهر مهریز، استاد راهنما: دکتر علی اکبر نجفی کانی، دانشگاه گلستان.
- مشیری، سیدرحیم و نسرین آذرباد (۱۳۸۶)، پیامدهای استقرار نواحی صنعتی در مناطق روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص. ۱۹۴-۱۸۱.
- مرادی، محمد و سیدحسن مطیعی لنگرودی (۱۳۸۴)، جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بروجند، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص. ۱۴۹-۱۳۷.
- مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۴)، جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. مشهد.
- نصیری، اسماعیل (۱۳۸۷)، صنایع روستایی، عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی (مطالعه موردی: روستاهای شهر بومهن)، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۱، صص: ۳۵-۵۸.
- نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی اثرات شهرک ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بابل)، رساله دکتری، استاد رهنما، دکتر حسین مطیعی لنگرودی دانشگاه تهران.
- نقوی، محمد (۱۳۸۹)، نقش شهرک های صنعتی در توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون (نمونه موردی: شهرک صنعتی بهشهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران.
- Chadwilk, W. (2007), **Spatial Organization in Rural Areas**. New York :Prentice-Hall.
- Das, R., & K. Das Ashin ,(2011),**Industrial Cluster: An Approach for Rural Development in North East India**, International Jornal of Trade, Economics and Finance, Vol.2, No.2,pp. 165-161.
- Pears, R , "Location, Development, Industry", Oxfords: Blackwell, (2007).
- Sundra. K., (2009), **Rural Industrialisation: Challenges and Proposition**, Commerce Wing DDE, Annamalai UniversitY, Tamil Nadu, India.
- Unido (1984), **the role of small and medium scale Industriesinoic Member Stocte**. Unido, No 9.
- World B G., (2007), Industrial Estate.
- Walkers, V. (2007), **Policy Innovation for Rural Sustainable Development**. New York: USA Rural Policy Research Institute.